دادگاه خانواده

عمل زیبایی بینی زوج جوان را به دادگاه کشاند

گروه حوادث/ دانه‌های درشت برف همچون کریستال‌های بلورین هر کدام با شکلی خاص از آسمان پایین می‌ریخت و با نشستن روی زمین نقشی زیبا برجا می‌گذاشت.

بارش برف سوز سرمای چند روز قبل را گرفته و قدم زدن در این هوای دلچسب زمستانی حسی سرشار از آرامش به ارمغان آورده بود. اما افسوس که در میان این همه زیبایی و آرامش روز برفی باز هم کم نبودند زوج‌هایی که به خاطر مشکلات زندگی و خانوادگی برای جدایی راهی دادگاه خانواده شده بودند.

در آستانه ورود به یکی از طبقات دادگاه مکالمه زوج جوانی توجه‌ام را جلب کرد. می‌خواستم علت حضورشان را بپرسم که ناگهان مدیر دفتر شعبه با صدای بلند فریاد زد طرفین پرونده شماره ۲۸۹ که ساعت ۹ جلسه داشتند بیان داخل...

قاضی در حال مطالعه پرونده بود، نیم نگاهی به این زوج جوان انداخت و خواست بنشینند. آنها با فاصله دو صندلی از هم نشستند. پس از چند دقیقه قاضی رو به دختر کرد و گفت: خوب دخترم درباره علت دادخواست طلاق توضیح بده بدانم چرا می‌خواهی جدا شوی؟

غزاله عینک طبی خود را از چشم برداشت و نگاهی به شوهرش انداخت و گفت: آرمین به من و زندگی مشترکمان اهمیت نمی‌دهد از همه بدتر اینکه مدام از من ایراد می‌گیرد. دراین مدتی که ازدواج کرده ایم خیلی اخلاق و رفتارش تغییر کرده است.

در حالی که دختر صحبت می‌کرد شوهرش حرف او را قطع کرد و گفت: آقای قاضی اجازه بدهید من توضیح بدهم. ما در یک آموزشگاه زبان با هم آشنا شدیم پس از دو ماه دوستی احساس کردم خیلی به او علاقه دارم دختر جذاب، زیبا، مؤدب و خوش پوشی بود حرف‌هایش به من انگیزه می‌داد وقتی تصمیم به ازدواج گرفتم یک روز در کلاس و مقابل همه همکلاسی‌ها از او خواستگاری کردم. غزاله هم که خیلی خوشحال شده بود همانجا پاسخ مثبت داد.

خلاصه دو روز بعد با خانواده رفتیم خواستگاری و چند روز بعد هم رفتیم محضر و عقد کردیم. البته به خاطر بیماری کرونا جشن عروسی نگرفتیم و خیلی ساده زندگی مشترک‌مان را شروع کردیم در این چندماه همه چی خوب بود تا این که آهنگ ناسازگاری را غزاله کوک کرد و شروع به بهانه گرفتن کرد!

غزاله پس از شنیدن این حرف‌ها از آرمین با صدای بلند گفت: اعتراض دارم جناب قاضی من ناسازگاری نکردم در دوران عقد و نامزدی به او گفته بودم دلم می‌خواهد بینی‌ام را عمل کنم خودش هم پذیرفت اما الان قولش را فراموش کرده و میگه اجازه نمی‌دهم عمل زیبایی انجام دهی.

آرمین بلافاصله گفت آقای قاضی من دانشجو هستم و پاره‌وقت در یک مؤسسه زبان درس می‌دهم درآمدم اجازه نمی‌دهد هزینه عمل جراحی زیبایی همسرم را که اصلاً هم ضروری نیست بپردازم.

غزاله زیر لب گفت: پول نداشتی چرا ازدواج کردی وقتی نمی‌توانی هزینه‌های زندگی را تأمین کنی چرا مسئولیت پذیرفتی؟

آرمین گفت: جناب قاضی مشکل اصلی من با این خانم موضوع دیگری است او بسیار دهن بین است هر کسی هر چه بگوید گوش می‌کند الان هم دوستانش بهش گفتن بینی ات را عمل کن او هم اصرار بر این کار دارد. حرف دیگران برایش خیلی مهم‌تر از حرف همسرش است.

غزاله با عصبانیت و لحن تندی گفت: ما تازه ازدواج کرده‌ایم اما همسرم حاضر نیست برای خوشحالی من کاری انجام دهد الان که این رفتار را دارد وای به حال چند سال دیگر حرف آخر من این است یا پول بدهد من بینی‌ام را عمل کنم یا طلاق می‌گیرم. اصلاً چرا از پدرش پول نمی‌گیرد او وضع مالی خوبی دارد.

آرمین از روی ناراحتی خنده تلخی کرد و گفت: می‌بینید آقای قاضی چطور مرا قضاوت می‌کند؟ توجه نکردن به یک خواسته غیرمنطقی و غیرضروری آن هم به خاطر مشکلات اقتصادی را مبنای بی‌توجهی من به خودش و زندگی مشترک می‌داند و با همین معیار کودکانه می‌خواهد زندگی عاشقانه‌ای را که تازه شروع کرده‌ایم نابود کند.

آقای قاضی من همسرم را دوست دارم اما از پدرم پول نمی‌گیرم پدرم خیلی لطف کرده و برایمان خانه خریده است تا ما راحت زندگی کنیم و دغدغه اجاره خانه نداشته باشیم حالا بروم به او بگویم پول بده همسرم بینی عمل کند؟ هرگز این کار را نمی‌کنم. پدرم غیر از من دو فرزند دیگر هم دارد او مسئول تأمین خواسته‌های همسر من نیست اگر غزاله به این رفتارش ادامه دهد او را طلاق می‌دهم. حتی ممکن است به خاطر مهریه به زندان هم بیفتم اما مهم نیست زیر بار حرف زور نمی‌روم.

قاضی با نگاهی به غزاله و آرمین سری تکان داد و گفت: شما هدف اصلی زندگی را گم کرده اید و درگیر لجبازی‌های کودکانه شده اید فعلاً پیش مشاور بروید شاید مشکلتان حل شد اما اگر با هم توافق نکردید حکم طلاق را صادر می‌کنم.

■ **امیرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده**

ناآگاهی و نداشتن هدف در زندگی، سن کم، نرسیدن به بلوغ فکری برای ازدواج، انتخاب هیجانی از روی احساس و نبود صداقت از جمله عواملی بود که باعث ایجاد تنش بین این زوج جوان شده است. لجبازی‌های کودکانه آرمین و غزاله با یکدیگر باعث شده نتوانند مشکلات‌شان را درست ببینند و حل کنند.

برای رهایی از این بحران‌ها ابتدا باید این زوج در کمال صداقت و تعهد اولویت‌های اصلی زندگی مشترک خود را تعیین کنند که در این مسأله نیاز است از خواسته‌های نابجا و غیرمنطقی خود دست بردارند و واقعیت زندگی خود را همان‌طور که هست ببینند.

این زوج باید مسئولیت‌پذیری را یاد گرفته و در زندگی به یکدیگر کمک کنند نه اینکه با درخواست‌های نابجا از همدیگر زندگی را برای خود تبدیل به میدان جنگ کنند و لازمه این امر از خودگذشتگی و شناخت صحیح از واقعیت‌های زندگی و شخصیت یکدیگر است.

فرار شوم دختر نوجوان از خانه پدر

گروه حوادث/ دختر نوجوان که پس از جدایی پدر و مادرش از خانه فرار کرده و به تهران آمده بود نمی‌دانست در دام سیاه سه شرور گرفتار خواهد شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر دی امسال، مرد میانسالی به پلیس یکی از شهرهای جنوبی کشور رفت و از ناپدید شدن دختر ۱۷ ساله‌اش خبر داد و گفت: مدتی قبل من و همسرم از هم جدا شدیم و قرار شد دخترم الیکا با من زندگی کند. در این مدت او خیلی ابراز ناراحتی می‌کرد تا اینکه امروز صبح برای انجام کاری از خانه خارج شد و دیگر برنگشت وقتی از دخترم خبری نشد، به دوستان و فامیل زنگ زدم اما آنها هم از دخترم خبری نداشتند. خیلی نگرانش هستم و نمی‌دانم کجاست.

با شکایت مرد میانسال، تحقیقات برای یافتن دختر نوجوان آغاز شد. در ادامه بررسی‌ها یکی از دوستان وی به مأموران گفت: پدر الیکا خیلی با او بدرفتاری می‌کرد حق نداشت بدون اجازه پدرش از خانه خارج شود مدام او را بازخواست می‌کرد که چرا با دوستانت حرف زدی؟ چرا بیرون رفتی؟ چرا این لباس را پوشیدی؟ چرا اینقدر در فضای مجازی هستی؟ بالاخره الیکا هم خسته شد و تصمیم گرفت فرار کند به من گفت می‌خواهم به تهران بروم تا زندگی جدیدی را آغاز کنم.

مأموران پلیس در ادامه تحقیقات دریافتند دختر نوجوان با تهیه بلیت اتوبوس از شهرشان خارج شده و به تهران رفته است. در حالی که بررسی‌ها در این رابطه ادامه داشت یک روز پدر الیکا با پلیس تماس گرفت و گفت دخترش به او تلفن کرده و گفته در خانه‌ای واقع در منطقه یافت آباد تهران است و درخواست کمک کرده است.

بدین ترتیب مأموران پلیس پس از هماهنگی‌های قضایی راهی تهران شده و با کسب دستور قضایی از بازپرس میثم حسین‌پور به خانه‌ای که الیکا در آنجا بود وارد شده و دختر نوجوان را پیدا کردند. همچنین صاحبخانه را که پسری ۲۳ ساله بود نیز دستگیر کردند.

پسر جوان در تحقیقات گفت: چند روز قبل یکی از دوستانم الیکا را به خانه‌ام آورد و از من خواست چند روزی میهمانم باشد. زمانی که دختر نوجوان وارد خانه‌ام شد آنقدر ترسیده بود که مدام التماس می‌کرد کاری به او نداشته باشم. وقتی به او اطمینان دادم که کاری به او ندارم گفت که چند روز قبل از خانه‌اش در یکی از شهرستان‌ها فرار کرده و به تهران آمده تا به خیال خودش یک زندگی رؤیایی بسازد، اما در دام سه پسر شیطان صفت گرفتار شده است. وقتی فهمیدم در این چند روز چه اتفاقات شومی برایش رخ داده به او پناه دادم و در این مدت مراقب او بودم و سعی کردم با صحبت‌هایم او را راضی کنم که با پدر و مادرش تماس بگیرد و به خانه‌اش برگردد.

در حالی که پسر جوان چنین اظهاراتی داشت، الیکا نیز حرف‌های او را تأیید کرد و گفت: برای فرار از رفتارهای خشن پدرم راهی تهران شدم، با خودم گفتم در تهران کار پیدا می‌کنم و زندگی جدیدی می‌سازم اما بعد از ورود به تهران تازه فهمیدم چقدر اشتباه کرده بودم نه جایی برای خواب داشتم و نه کسی به یک دختر تنها و بی‌پناه کار مناسبی می‌داد. همان شب اول فهمیدم چقدر در این شهر تنها هستم. خسته و گرسنه در سرمای شدید داخل یک پارک نشسته بودم و گریه می‌کردم که پسر جوانی به سراغم آمد و با دیدن وضعیت من گفت می‌توانم شب را در خانه‌اش بگذرانم. او با حرف‌هایش مرا متقاعد کرد که قصد کمک به من دارد اما وقتی وارد خانه او شدم، به زور مرا مورد آزار و اذیت قرار داد چند روزی مرا در خانه‌اش نگه داشت. بعد مرا به مغازه دوستش برد و از او خواست مرا به خانه‌اش ببرد نمی‌دانستم او مرا فروخته است دوستش مرا به خانه‌ای برد و مورد آزار و اذیت قرار داد. یکی دو روز بعد همین اتفاق تکرار شد و آن پسر شرور هم مرا به دوست دیگرش سپرد و همان اتفاقات شوم دوباره تکرار شد تا اینکه مرد شرور مرا به خانه این پسر برد وقتی وارد شدم آنقدر گریه و التماس کردم که دلش برایم سوخت و گفت با خانواده‌ات تماس بگیر اما من می‌ترسیدم فکر می‌کردم پدرم وقتی متوجه شود چه بلاهای شومی سرم آمده مرا بکشد اما با اصرار این پسر بالاخره با پدرم تماس گرفتم و خبر دادم که در تهران هستم.

به دنبال اظهارات این دختر نوجوان، دستور شناسایی و دستگیری سه پسر شرور از سوی بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی پایتخت صادر شد و هر سه متهم دستگیر شدند.

پسران جوان در تحقیقات به جنایت سیاه خود اعتراف کردند. با توجه به اینکه محل وقوع حادثه در تهران بود، پرونده از جنبه تجاوز به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد و به خاطر حبس غیر قانونی دختر نوجوان پرونده در شعبه هشتم دادسرای جنایی پایتخت مورد رسیدگی قرار گرفته است.

۶ سال حبس به اتهام آتش زدن برادر

گروه حوادث/ مردی که متهم است در جریان اختلاف با برادرش او را به آتش کشیده برای دومین بار محاکمه و به ۶ سال حبس محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل سال گذشته مرد جوانی که بشدت سوخته بود، در بیمارستان جان باخت. در ادامه تحقیقات همسر وی به مأموران گفت: همسرم از مدت‌ها پیش با برادرش سعید اختلاف داشت. شوهرم وقتی در بیمارستان بود، گفت برادرش سعید او را آتش زده است و حالا هم از او شکایت دارم و حاضر به مصالحه هم نیستم.

با اظهارات همسر مقتول برادر شوهرش بازداشت شد و با انکار اتهام قتل گفت: پدرم مغازه‌ای در شمال تهران داشت و برادرم سال‌ها در آن کار می‌کرد. بعد از مدتی پدرم مغازه را از او گرفت و به من با مبلغ ۵۰۰ میلیون پول پیش و ۱۸ میلیون ماهانه اجاره داد و من آنجا را میوه فروشی کردم. صبح روز حادثه به میدان میوه و تره‌بار رفته بودم و پس از اینکه برگشتم دیدم برادرم مغازه را باز کرده و در حال فروش میوه است. وقتی به حضورش اعتراض کردم، گفت این مغازه حق من هم هست. اول برایش توضیح دادم که من مغازه را اجاره کرده‌ام اما او توجهی نکرد و بین ما درگیری شد و او دبه بنزینی آورد و داخل مغازه ریخت که بخشی از آن روی خودش پاشید بعد هم که کبریت را روشن کرد خودش آتش گرفت. من نقشی در سوختن و مرگ او نداشتم.

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده پدر و مادر مقتول اعلام گذشت کردند ولی همسر مقتول خواستار مجازات متهم شد و گفت: همسرم قبل از مرگ به من گفت که سعید او را سوزانده حتی گفت برای فرار از قانون دوربین‌های مداربسته مغازه را هم تخریب کرد. ضمن اینکه چندین نفر هم این ماجرا را دیده‌اند.

پس از آن متهم به جایگاه رفت و گفت: قبول دارم با هم اختلاف داشتیم اما من عامل مرگ برادرم نیستم.

در پایان جلسه دادگاه قضات وارد شور شدند و متهم را به ۶ سال حبس محکوم کردند، اما این حکم از سوی نماینده دادستان و همسر مقتول مورد اعتراض قرار گرفت و پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد و قضات دیوان پس از بررسی پرونده با وارد دانستن ایراداتی به حکم صادر شده آن را نقض کردند.

در ادامه رسیدگی به پرونده و با برطرف شدن ایرادات پرونده، متهم بار دیگر به شعبه ۹ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

در جلسه دوم رسیدگی به این پرونده متهم با تکرار اظهاراتش عنوان کرد: برادرم فرد پرخاشگری بود و من اشتباه کردم که آن روز با او درگیر شدم اگر وقتی جر و بحث بین‌مان شروع شد، من چند ساعتی مغازه را ترک می‌کردم یا پدرم را واسطه قرار می‌دادم حالا به اتهام قتل محاکمه نمی شدم.

پس از پایان اظهارات متهم و وکیل مدافع او قضات برای صدور حکم وارد شور شدند و حکم بر ۶ سال حبس متهم را صادر کردند و این حکم در شعبه چهارم دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد.

تقسیم ارثیه میلیاردی در گرو پیدا شدن مرد گمشده

گروه حوادث/ اختلاف خانوادگی برسر تقسیم ارث‌ومیراث، باعث شد تا بار دیگر تحقیقات برای رازگشایی از سرنوشت مبهم مرد جوانی که ۳۸ سال قبل ناپدید شده بود، آغاز شود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مرد میانسالی به دادسرای امور جنایی تهران رفت و خواهان پیدا کردن برادرش شد که از ۳۸ سال قبل ناپدید شده بود.

او زمانی که مقابل بازپرس میثم حسین‌پور قرار گرفت، گفت: سال ۶۲ برادرم به طرز مرموزی ناپدید شد. او متأهل بود و فرزند هم داشت. برای یافتن او به همه جا سر زدیم و هر کاری که لازم بود انجام دادیم اما هیچ رد و سرنخی از برادرم به‌دست نیاوردیم. درنهایت بعد از چند سال گواهی فوت فرضی برادرم صادر شد تا خانواده‌اش بتوانند برای اموالش تعیین‌تکلیف کنند اما با گذشت ۳۸ سال از ناپدید شدن او وقتی پدرم فوت کرد و می‌خواستیم تقسیم ارث‌ومیراث کنیم، ناگهان فرزندان برادر ناپدید شده‌ام به‌نام جلال مدعی شدند که گواهی فوت فرضی را قبول ندارند و پدرشان زنده است.

مرد میانسال گفت: از آنجایی که با توجه به این گواهی فوت فرضی، فرزندان برادرم هیچ ارثی از اموال پدربزرگشان نمی‌برند، آنها شکایت کرده و خواهان سهم‌الارث خود شدند. حالا سر همین موضوع ما به اختلاف برخورد کرده‌ایم و می‌خواهیم مشخص شود که برادرم زنده است یا خیر تا بتوانیم ارثیه پدری‌مان را تقسیم کنیم.

با شکایت مرد میانسال تحقیقات برای رازگشایی از سرنوشت مبهم مرد گمشده به دستور بازپرس جنایی آغاز شد.

مرگ کارگر تعمیرکار بر اثر سوختگی

گروه حوادث: پیکر کارگر نیروگاه حرارتی و گازی تبریز که هنگام عملیات تعمیرات اساسی دچار حادثه شد و جان باخت، به خاک سپرده شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، براساس اعلام شرکت مدیریت تولید برق آذربایجان شرقی، چند روز قبل سوئیچ‌خانه واحد ۲ نیروگاه حرارتی تبریز درحال انجام تعمیرات اساسی بود که حین انجام تعمیرات روی شینه مشترک دچار حادثه آتش‌سوزی شد.

در این حادثه ۳ نفر از کارگران این نیروگاه مصدوم شدند و یکی از آنها به نام بهروز امانی جان باخت. شرکت علت حادثه را این‌گونه عنوان کرد: «شینه مشترک در سوئیچ‌خانه برق‌دار بوده است.»

در نتیجه آقای بهروز امانی دچار «آرک زدگی» شده و آتش‌سوزی رخ می‌دهد. بر اساس اعلام شرکت؛ دلیل بروز حادثه فعلاً نامعلوم است ولی حادثه توسط متخصصین امر در حال بررسی است.

دستگیری مفسد اقتصادی قبل از فرار از کشور

گروه حوادث / بزرگترین مفسد اقتصادی کشور که با وثیقه از زندان خارج شده و قصد فرار از کشور داشت با تلاش پلیس امنیت اقتصادی استان کرمان دستگیر شد.

سردار «عبدالرضا ناظری» فرمانده انتظامی استان کرمان در تشریح این خبر گفت: با دریافت نیابت قضایی از دادسرای عمومی و انقلاب تهران به پلیس امنیت اقتصادی استان کرمان مشخص شد یک محکوم فراری که از سال ۱۳۹۶ به‌دلیل تخلفات و جرایم مکرر اقتصادی در استان‌های مختلف کشور تحت تعقیب بوده است، در استان کرمان شناسایی شده است بنابراین موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت.

وی افزود: یکی از پرونده‌های این مفسد بزرگ اقتصادی، اخلال در نظام اقتصادی و نظام پولی کشور ازطریق تحصیل مال نامشروع به مبلغ ۵۹۶ میلیارد تومان به روش‌های ثبت شرکت‌های صوری، جعل اسناد و جعل ضمانتنامه‌های بانکی بود که از سوی دادسرای عمومی و انقلاب تهران به تحمل ۲۰ سال حبس تعزیری، ضبط کلیه اموالی که ازطریق خلاف قانون به دست آمده و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده بود اما متهم در حالی که با قرار وثیقه آزاد بوده پس از اطلاع از جزئیات حکم، تصمیم به فروش اموال ضبط شده و فرار از کشور می‌گیرد.

این مقام ارشد انتظامی استان تصریح کرد: از دیگر جرایم و محکومیت‌های وی، معاونت درجعل ضمانت نامه‌های بانکی به مبلغ ۳۰۶ میلیارد تومان و مجازات دو سال حبس، پرداخت رشوه به مبلغ ۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان و مجازات سه سال حبس تعزیری و ضبط مال ناشی از ارتشاء، استفاده از سند مجعول و مجازات ده سال حبس تعزیری و معاونت در ارتکاب بزه دخالت درامول توقیف شده از طریق آزادسازی ملک در یافت‌آباد تهران است.

سردار «ناظری» بیان داشت: در این رابطه و با توجه به حساسیت موضوع و رویکرد پلیس برای برخورد جدی با جرایم اقتصادی و با همکاری بسیار خوب دستگاه قضایی، مأموران واحد اطلاعات و عملیات پلیس امنیت اقتصادی استان کرمان با انجام اقدامات اطلاعاتی، آخرین مخفیگاه این فرد را در یکی از محله‌های شهرکرمان شناسایی و وی را طی یک عملیات ضربتی در زمانی که قصد فروش قسمتی از اموال ضبط شده را داشت، دستگیر کردند.

فرمانده انتظامی استان کرمان با اشاره به اینکه این فرد قصد داشت بلافاصله پس از فروش اموالی که به نفع دولت ضبط شده بودند و نقد کردن آنها از مرزهای شرقی از کشور خارج شود، تصریح کرد: این محکوم فراری به سبب حجم سنگین پرونده‌هایی که در رابطه با اخلال در امنیت اقتصادی کشور داشت، بلافاصله پس از دستگیری به‌دلیل قطعی بودن محکومیت، به زندان منتقل شد.